

بحار

فرهنگی، اجتماعی، روزانه
ویرنه



شهر در دست بچه‌ها

سری جدید مجموعه «دوقلوها» با فضایی فانتزی در ناکجاآباد می‌گذرد

صفحه ۸

موسیقی سنتی رو به زوال است



کیارش داودی، سرپرست گروه «همناوزان وداد» معتقد است موسیقی ایرانی دچار حس غربت شده است

۱۱

زندگی شبانه، خارج از اخلاق



فرزاد مؤتمن در فیلم «شبگرد» زندگی شبانه در تهران و تجربه زیستی متفاوت طبقه متوسط را به تصویر کشیده است

۱۰

دردسرهای بازگشت به زمین



سریال جدید «صورت فلکی» که برای پخش از شبکه چهار دوبله شده، روایتگر جابه‌جایی در جهان‌های موازی است

۶۱

ایران فرهنگی

برای دوست داشتن وطن باید آن را شناخت

چه بهتر که از «زبان» آغاز کنم که در بین داده‌های خداوند به انسان، از مهم‌ترین و ارزشمندترین داده‌های اوست. زبان که به ما قدرت اندیشیدن می‌دهد، توانایی اندیشیدن اندیشه‌ها و پرسیدن و پاسخ یافتن. زبان که بستر هویت انسان است و از راه زبان می‌توان به «چیستی»، «هستی» و «چرایی» انسان، جهان و خدا اندیشید و برای مهم‌ترین پرسش‌های هستی، پاسخ یافت. زبان محل ظهور اندیشه است و اندیشه‌ها با کلمه به ظهور می‌رسند. زبان هرچه تواناتر، اندیشه به ظهور رسیده از آن مستحکم‌تر و پویاتر می‌شود. ملتی که «زبان ملی» قوی دارد، اندیشه‌های انسانی و ملی قوی‌تر و سخت‌تری را به ظهور می‌رساند و طبعاً اندیشه ضعیف، محصول زبان ضعیف است. زبان ملی ما با دلایل روشن و قابل مطالعه و آزموده، زبانی محکم، توانا و حکیمانه است و باید آن را شناخت و از آن پاسداری کرد. این روزها از ضرورت «پاسداشت زبان فارسی» بسیار می‌شنویم! به نظر من مهم‌ترین بخش پاسداری از زبان ملی و در نگاه ما زبان فارسی «چرایی پاسداشت زبان» است. اگر چرایی آن را دریاقیم دستیابی به چگونگی آن آسان است. مشکل ما از نداشتن و نشناختن این چرایی است. به تعبیر حضرت مولانا اگر ناشناخته دربی برویم به مثابه تیر در تاریکی انداختن و در پی سایه دودیدن است؛ مرغ بر بالا و پران سایه‌اش/ می‌دود بر خاک پران مرغ‌وش/ ابلیهی صیاد آن سایه شود/ می‌دود چندان که بی‌سایه شود/ تیر اندازه به سوی سایه او/ ترکشش خالی شود از جست‌وجو/ ترکش عمرش تهی شد عمر رفت/ از دودیدن در شکار سایه تفت/ بی‌خبرکان عکس آن مرغ‌هواست/ بی‌خبر که اصل آن سایه کجاست. بر این بنیان مقدمه هر کاری شناخت است و اگر شناخت حاصل نشود، عمر تلف کردن و خام‌گشتن است. نکته مهم در شناخت ایران، شناخت زبان فارسی و ارزش‌های آن است. هرکس بخواهد ایران را بشناسد باید زبان فارسی را بشناسد تا بتواند گنجینه‌های نهفته در ایران فرهنگی را بازشناسد. شناخت ایران در پس شناخت فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی، نظامی، خیام و... فراهم می‌شود و شناخت اینها موقوف به شناخت زبان فارسی است. آن‌گونه که شیفتگانی چون اقبال لاهوری، کریم‌سن، هانری ماسه، نیکلسون، ادوارد براون، آنه ماری شیمل، آرتور یوپ و صدها تن دیگر دربی شناخت ایران به دریای بیکران زبان فارسی وارد شدند و خود به خیل کوششگران این زبان پیوستند، و شناختن و عاشق آن شدند. زبان فارسی را باید درست و دقیق شناخت، ریشه‌ها و پیشینه‌های آن را دریافت، گنجینه‌های معرفتی آن را فهمید و به کارکردهای هویتی، ملی، فرهنگی، تاریخی و... آن واقف شد. در گفتارهای پس از این، نخست «داستان زبان فارسی» را بازگو می‌کنم و پس از آن دربی دیگر مولفه‌های ایران فرهنگی خواهم بود.



مهدی جعفر محمدزاده پژوهشگر تاریخ زبان و فرهنگ ایران

«ایران فرهنگی» قلمرویی به مراتب گسترده‌تر از جغرافیای ایران سیاسی دارد؛ ایران فرهنگی حتی از حدود ایران کهن و هخامنشی گسترده‌تر و از قلمرو زبان فارسی در دوره تیموریان که از شمال چین تا بالکان در قلب اروپا را شامل می‌شده هم فراگیرتر است. ایران فرهنگی مرزهای آبی و خاکی نیست که در روزگاری کم و زیاد شده باشد؛ ایران فرهنگی قلمرویی است به وسعت همه عالم و توانمندی قلبی که توانایی خون‌رسانی به پیکر جهان را دارد؛ جهانی که گاهی چنان در ورطه خودکامگی فرومی‌رود که انسان بودن خود را از یاد می‌برد و هر روز کار را برخورد و اهلیش سخت و سخت‌تر می‌کند و بی‌آبی‌پدی می‌سازد؛ آن‌گونه که حکیم توس گفته است: زید کردن آید به حاصل زبان/ اگر بدکنی غم بری از جهان/ مشو شادمان گر بدی کرده‌ای/ که آزرده‌گردی گر آزرده‌ای. و شاید تازیه‌های از جنس فرهنگ بتواند به بیدارباشی، چشمان خفته او را بیدار کند؛ و این کار از ایران فرهنگی ساخته است که می‌تواند به پیکر لمس شده و گاه مسخ‌شده انسان، خونی تازه از جنس فرهنگ برساند و بگوید: بادوستان مروت بادشمنان مدارا. از ایران فرهنگی چنین چیزی ساخته است و چنین توقعی برآه نیست؛ آن‌گونه که نظامی گنجوی، شاعر و حکیم پارسی‌گوی ایرانی در سده ششم خورشیدی ایران را دل زمین دانسته است: همه عالم تن است و ایران دل/ نیست گوینده زین قیاس خجل/ چون که ایران دل زمین باشد/ دل ز تن به بود یقین باشد. ایران فرهنگی جغرافیایی بر پایه تعاریف امروزی ندارد، سرزمینی از جنس معناست که می‌شود برای آن مختصاتی تعریف کرد و نشانه‌هایش را شناساند. مختصات و حدود جغرافیایی ایران ما که دارای فرهنگی دیرپا و پویاست، ممکن است در زمان‌هایی کم و زیاد شده، گاهی آسیب دیده، گاهی در اوج بالندگی بوده، گاه مرزها را درنوردیده و فراتر از قاره‌ها گسترده و گاهی در چنبره تهاجم بیگانه، مرزهایش کوچک شده باشد، ولی ایران فرهنگی با توان و داشته‌هایی درونی، همیشه توانایی آن را داشته که خود را ترمیم کند. شناختن و شناساندن ابعاد این فرهنگ برای تقویت و حفظ آن، به دستداران و کوشندگان فرهنگ ایرانی و ایران فرهنگی بسیار بااهمیت است؛ و مگر می‌شود چیزی و کسی را نشناخت و دوستش داشت؟ به‌ویژه که ایران باشد و به تعبیر زنده‌یاد نادر ابراهیمی «برای دوست داشتن وطن، باید وطن را شناخت». در یادداشت‌هایی که از این‌پس ذیل عنوان ایران فرهنگی خواهم نوشت، می‌کوشم تا ایران را از زاویه‌ای پژوهیده بشناسانم. از نام ایران، زبان، فرهنگ، ادبیات، تاریخ، حماسه، اسطوره و...

زاویه دید

روایت تاریخ از کارنامه روحانیت

ولایت؛ تداوم نبوت



سعيد مستفائي نویسنده و پژوهشگر

بخش ۵۰

... چرا کسی که ولایت ندارد، نماز نشمارد، روزهاش روزه و عباداتش عبادت نیست. چرا اگر جامعه‌ای و امتی ولایت ندارد اگر همه عمر را به نماز و روزه و تصدق تمام اموال بگذرانند، باز لایق لطف خدا نیست... مسأله ولایت در دنباله بحث نبوت است... اگر ولایت نباشد، نبوت هم ناقص می‌ماند... آنچه آمد، بخشی از یکی از سخنرانی‌های مهم حضرت آیت... خامنه‌ای در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۳ در مسجد امام حسن مجتبی (علیه السلام) بود. رمضان مبارکی که در آن استادان و دانشجویان و دانش‌آموزان و جوانان پرشور به پای درس استاد مبارز نهضت امام خمینی، حجت‌الاسلام سیدعلی حسینی خامنه‌ای با عنوان احیای تفکر نوین اسلامی نشستند و فرهنگ انقلابی و حماسه‌ساز اسلام را از ایشان فراگرفتند. آیت... خامنه‌ای در آن ایام و در آن شرایط خفقان بار رژیم طاغوت، طی بیست و هفت سخنرانی که بعداً در مجموعه و کتابی تحت عنوان «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرن» منتشر شد، ابعاد مختلف اندیشه اسلامی را تشریح و تبیین کرده و با سبکی نو، به شیفتگان اسلام انقلابی عرضه داشتند. از میان این شب‌ها، شش سخنرانی به مسأله مهم «ولایت» اختصاص داشت که در آن سال‌ها، موضوع بسیار بنیادی و اساسی برای برپایی یک قیام و حماسه‌ساز اسلام را به تکامل رساندن انسان می‌آید، برای تخلق دادن ولایت فقیه در اواخر سال ۱۳۴۸ از سوی رهبری نهضت، حضرت امام خمینی (رحمه... علیه) به عنوان هدف استراتژیک نهضت، تبیین و تشریح مسأله ولایت و ارتباط آن با نهضت امام و برقراری حکومت اسلامی بسیار ضروری می‌نمود. چنانچه براساس دستور حضرت امام در آن ایام، بسیاری از انقلابیون پیرو ایشان، در مجامع و کلاس‌های خصوصی و محافل عمومی، به طرح این مسأله می‌پرداختند. حضرت آیت... خامنه‌ای در بخشی دیگر از آن سخنرانی به تبیین هدف بعث پیامبر اکرم (صلی... علیه و آله) و اتصال آن به ولایت امیرالمومنین علی (علیه السلام) پرداخته و گفتند: «... پیغمبر خدا برای چه می‌آید؟ پیغمبر از برای به تکامل رساندن انسان می‌آید، برای تخلق دادن انسان‌ها به اخلاق... می‌آید، برای کامل کردن، به تمام رساندن مکارم اخلاقی می‌آید... اکنون باید دید که پیغمبر از چه راهی و از چه وسیله‌ای برای ساختن انسان استفاده می‌کند و چگونه انسان‌ها را می‌سازد. آیا مدرسه درست می‌کند؟ مکتب فلسفی درست می‌کند؟ صومعه و جایگاه عبادت درست می‌کند؟ پیغمبر برای ساختن انسان، کارخانه انسان‌سازی درست می‌کند. پیغمبر ترجیح می‌دهد که ده سال، بیست سال دیرتر موفق شود اما آنچه می‌سازد، یک انسان و دو انسان و بیست انسان نباشد. بلکه می‌خواهد کارخانه انسان‌سازی درست کند. کارخانه انسان‌سازی، جامعه و نظام اسلامی است... جامعه اسلامی



در برخی محافل به‌ظاهر دینی ولی اساساً سکولار، ولایت منحصر شده است به این‌که در دل مهر علی بن ابیطالب باشد و قطره‌ای هم اشک برای امیرالمومنین ریخته شود، ولی عمل و فکر و اندیشه بر ضد اندیشه حضرت امام علی (علیه السلام) است. از ولایت، افسانه و اسطوره و در واقع خرافه‌ای درست می‌کنند و دل خوش می‌دارند که از جمله موالی حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) و دارای ولایت هستند. در حالی که براساس روایات و احادیث متعدد از پیامبر اکرم (صلی اله علیه و آله) و ائمه معصوم (علیهم السلام)، جامعه‌ای دارای ولایت است که در آن امام و جانشینانش منشا امر و نهی باشند؛ همه رشته‌ها از آنان ناشی شود. عملاً جامعه را اداره کنند و پرچم جنگ و صلح را برافرازند. اگر چنین ولایتی وجود دارد، بایستی به دنبالش حرکت کرد و لحظه‌ای هم به خود تردید راه نداد و اگر نیست بایستی او را یافت. چگونه و با چه ملاک و معیارهایی؟ حضرت آیت... خامنه‌ای در همان سلسله سخنرانی‌ها و براساس احادیث و روایات معتبر، پاسخ این سؤال را داده و گفته اند: «یک ولی با صفاتی مشخص می‌شود. همان‌طور که در حدیث معروف فرموده اند: اما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدینہ، مخالفاً لواءه، مطیعاً لامر مولاه... این طوری ولی را مشخص می‌کنند. این هم از طرف خداست...»